

«... دیکتاتوری و تسلط و حکومت فردی غیرمعصوم بر سرنوشت مردم بدترین چیزی است که یک جامعه انسانی به آن می‌رسد؛ و هیچ عذر و بهانه‌ای برای پذیرش دیکتاتوری و سلطه، به هر دلیلی وجود ندارد. آزادی و حق انسان در تعیین سرنوشت خویش از دید شرع و اخلاق، یک ارزش مقدس است و هیچ بهانه‌ای نه برای سلب آن هست و نه برای کوتاه آمدن از آن. خداوند متعال فرمود: (در دین هیچ اجباری نیست) [...] اگر خداوند سبحان و متعال که آفریدگار انسان است، انسان را بر ایمان به خود یا به دین خود مجبور نکرده است، پس دیکتاتور به چه حقی باقی ماندن مردم را بدون هیچ بحث و اعتراضی، بر اطاعت و پذیرفتن رأی و نظرات خود در تعیین سرنوشتشان مجبور می‌کند؟...»

گزیده‌ای از بیانات سید احمد الحسن (ره) در گروه «الدعوة المهدویة»، ۲۷ جولای ۲۰۲۱ م

هوشمندی، نتیجه حتمی تکامل

بره‌قائم چه کسی است؟

قسمت اول

سالروز ولادت امام حسین (ع) مبارک باد

تصور اهل سنت از مهدی (ع)

قسمت چهارم

آغاز دوباره اسلام در آخر الزمان

قسمت دوم

امام مهدی (ع) و تکنولوژی

معترضان به خلفای خدا

قسمت چهارم



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن علیه السلام، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»



فهرست



- ۳..... سالروز ولادت امام حسین (علیه السلام) مبارک باد
- ۵..... معترضان به خلفای خدا، شکست در آزمون با خلیفه خدا
- ۷..... آغاز دوباره اسلام در آخر الزمان (قسمت دوم)
- ۱۱..... برة قائم چه کسی است؟ (قسمت اول)
- ۱۴..... ادعای نبودن نام مهدی در قرآن
- ۱۷..... امام مهدی (علیه السلام) و تکنولوژی
- ۲۰..... هوشمندی، نتیجه حتمی تکامل

هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۲۲، جمعه ۲۰ اسفند ۱۴۰۰،
۸ شعبان ۱۴۴۳، ۱۱ مارس ۲۰۲۲
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راههای ارتباطی:
WWW.VARESin.ORG
WWW.ALMAHDYOON.CO



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.



سالروز ولادت

امام حسین (علیه السلام)

مبارک باد



ایشان و لعنت خداوند، بر یزید و بر اتباعش، تا روز قیامت... .

خداوندا! امروز بهترین عطاها را به ما عنایت کن؛ چنان که حسین را به محمد عطا کردی؛ خدایا فطرس ملک به گهواره او پناه برد، ما به قبرش پناه آورده ایم، تربت پاکش را می نگریم و در انتظار بازگشتش به سر می بریم.»

(پیام صفحه فیس بوک سید احمد الحسن (علیه السلام)، ۲۰ آوریل ۲۰۱۸م)

سلام بر تو که گلویت، بوسه گاه پیامبر بود. ای خلاصه فاطمه و علی!

مولایم سید احمد الحسن (علیه السلام) بهترین و جان بخش ترین کلام را راجع به امام حسین (علیه السلام) دارد. ایشان فرمودند:

«فرارسیدن این روزهای کریمانه، بر شما مبارک باد که حسین و آل حسین را به ما هدیه داده است؛ صلوات خداوند، بر همگی ایشان.

درود بر حسین و بر فرزندان حسین و بر یاران حسین که با حسین به شهادت رسیدند؛ درود خداوند، بر

سید احمد الحسن (علیه السلام):

پیوستن به حسین (علیه السلام) در بالاترین درجاتش، التزام به مبانی حسین و شیوه و روش حسین و پیوستن به حسین زمانی است که مؤمن در آن زندگی می کند.
(کتاب «متشابهات»، جلد ۱، پرسش ۱۴)



پایین تر از پیامبر خداست؛ اما کسی که امر پیامبر خدا ﷺ و فضل و مقام بلند و حق آن حضرت را آشکار می سازد و به اهل دنیا می شناساند، امام مهدی ﷺ است. [...]

دین اسلام محمدی اصیل، به وسیله امام مهدی ﷺ بر روی زمین ظاهر می شود و امام مهدی ﷺ از فرزندان امام حسین ﷺ است و پایه و کانون حقیقی انقلاب امام مهدی ﷺ، انقلاب امام حسین ﷺ است.

پس با امام مهدی ﷺ آیه **﴿لَيُظْهَرَنَّ عَلَى آلِ دِينَ كَلِّهِ﴾** تحقق می یابد و اهل زمین، محمد ﷺ و شأن عظیم و مقام والای آن حضرت را می شناسند و **امام**

مهدی ﷺ، خود، نتیجه ای از نتایج انقلاب حسین ﷺ

است و انقلاب اصلاحی جهانی امام مهدی ﷺ، چیزی

جز ثمره و نتیجه واقعی برگرفته شده از انقلاب امام

حسین ﷺ نیست؛ پس با حسین ﷺ، اسلام پایدار

و حضرت محمد ﷺ باقی ماند و با حسین، اسلام و

حضرت محمد ﷺ ظاهر می گردد و با حسین، اسلام

شناخته می شود و حضرت محمد ﷺ نیز شناخته

می شود.»

(متشابهات، جلد ۳، پرسش ۱۱۵)

به راستی که شخصیت حسین بن علی ﷺ آنچنان والا و دور از دسترس و پرشکوه بود که وقتی با برادرش امام مجتبی ﷺ پیاده به کعبه می رفتند، همه بزرگان و شخصیت های اسلامی به احترامشان از مرکب پیاده شده، همراه آنان راه می پیمودند. (کری الحسین، ج ۱، ص ۱۵۲)

آری این شخصیت پرشکوه همان زمینه ساز انقلاب مهدی ﷺ است.

همان ذبح عظیم برای دین خدا...

او همان کسی است که در ماه ولادتش همه روز جشن و سرور است و ماه شهادتش دریغ از ولادت و

جشن یا سروری...

گویا ماه ها و آسمانیان با او هم نوا می شوند...

سلام خدا بر حسین بن علی ﷺ

• نور سرگردان حسین که سال ها پیش از خلقت آدم در افلاک غوطه می خورد، در قاب جسم خویش، حلول خواهد کرد. گویا بهشت آفریده شده است. گویا عاشورا متولد شد! اتفاق کمی نیست...

روز سوم ماه شعبان سال چهارم هجرت، دومین فرزند برومند حضرت علی ﷺ و فاطمه زهرا ﷺ، که درود خدا بر ایشان باد، در خانه وحی و ولایت چشم به جهان گشود. (اعلام الوری طبرسی، ص ۲۱۳)

چون خبر ولادتش به پیامبر گرامی اسلام ﷺ رسید، به خانه حضرت علی ﷺ و فاطمه ﷺ آمد و اسماء را فرمود تا کودکش را بیاورد. اسماء او را در پارچه ای سپید پیچید و خدمت رسول اکرم ﷺ برد. آن گرامی به گوش راست او اذان و به گوش چپ اقامه گفتند.

(امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۷۷)

در روزهای اول یا هفتمین روز ولادت با سعادتش، امین وحی الهی، جبرئیل امین، فرود آمد و گفت: سلام خداوند بر تو باد ای رسول خدا، این نوزاد را به نام پسر کوچک هارون (شیر) که به عربی «حسین» خوانده می شود نام بگذار. (معانی الاخبار، ص ۵۷)

بگذار تمام کائنات بدانند آغاز تو را! دو دریای نور به هم آمیختند و در پیوند خدایی و زبانزدشان، اقیانوسی پدید آمد که تاریخ را دگرگون خواهد کرد.

آری بگذار همگان بفهمند حسین ﷺ انقلابی برای

مهدی ﷺ بود...

مولایمان سید احمد الحسن ﷺ می فرمایند:

«حسین ﷺ در همه عوالم از پیامبر خدا ﷺ است و قطعاً

سید احمد الحسن ﷺ:

هر زمانی را حسینی هست و هرکس به حسین زمان خود ملحق شود، به امام حسین ﷺ پیوسته است و کسی که نسبت به امام زمانش کوتاهی ورزد، نسبت به حسین ﷺ کوتاهی ورزیده است.

(کتاب «متشابهات»، جلد ۱، پرسش ۱۴)



شکست در آزمون با خلیفه خدا

درس روز اول؛ شکست در آزمون با خلیفه خدا، یعنی طرد شدن از رحمت خدا

و بدن هایتان با مردم رفت و آمد کنید و با دل ها و کارهایتان از آنان دوری کنید. قسم به خدایی که جانم در دستان اوست آنچه را که دوست دارید نمی بینید تا اینکه برخی از شما در صورت برخی دیگر آب دهان بیندازند و برخی از شما برخی دیگر را دروغ گو بنامند و از میان شما یا فرمود از میان شیعیان من- فقط مانند سرمه در چشم و نمک در غذا باقی می ماند. برای شما مثال مردی را می زنم که مقداری گندم دارد و آن را پاک می کند. سپس آن را به جایی می برد و آن را تا زمانی که خدا بخواهد رها می کند. سپس به سراغ گندم می رود و می بیند که کرم در آن وجود دارد. آن را بیرون می آورد و پاک می کند. سپس گندم را به خانه بازمی گرداند و تا زمانی که خداوند بخواهد آن را رها می کند. سپس دوباره به سراغ گندم می رود و می بیند کرم در آن رشد کرده است. آن را بیرون می آورد و پاک می کند و [به جایش] بازمی گرداند. همین گونه ادامه می یابد تا اینکه مقدار اندکی از آن باقی می ماند که کرم به آن زیانی نمی رساند. شما نیز به همین صورت جدا می شوید تا اینکه از میان شما فقط گروهی اندک باقی بمانند که فتنه ها به آنان هیچ زیانی نرسانند. (غیبت نعمانی، ص ۲۰۹ و ۲۱۰)

اگر بخواهیم درس روز اولی را که در آن، خداوند آدم (ع) را خلیفه خود در زمینش قرار داد خلاصه کنیم، نمی توانیم از یک حقیقت بزرگ غافل شویم؛ اینکه **امتحان الهی در روز اول به وسیله خلیفه او در زمینش صورت گرفت و طرد از رحمت الهی به خدا پناه می بریم. سهم کسی بود که در سجده برای او و اطاعت از وی شکست خورد؛ همان طور که برای ابلیس (لعنه الله) حاصل شد.**

بر این اساس می توانیم به نکته دیگری پردازیم که ارتباطی کامل با این حقیقت برگرفته از درس روز اول دارد. **روایات فراوانی از ائمه هدی (ع) وارد شده است که به غربال و آزموده شدن و امتحان امت منتظر امام مهدی (ع) و شکست بیشترین امت در انتظار، تصریح دارند؛** مگر آن عده ای که به فضل و رحمت خدا از تیررس وعده ابلیس برای فریب دادن تمام خلق خارج می شوند. **نمونه ای از این حدیث:**

از صفوان بن یحیی روایت شده است که امام رضا (ع) فرمود: «به خدا سوگند آنچه چشم به سویش دوخته اید واقع نخواهد شد تا زمانی که آزموده شوید و جدا گردید؛ تا آنجا که کسی از شما باقی نماند مگر اندک اندر اندک». (غیبت نعمانی، ص ۲۰۸)

از ابن نباته از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: «مانند زنبور در میان پرندگان باشید. پرنده ای از پرندگان نیست مگر اینکه زنبور عسل را ضعیف می شمارد و اگر پرندگان برکتی را که درون اوست می دانستند با او چنین نمی کردند. با زبان ها

سید احمد الحسن (ع):

درباره زندگانی امام مهدی (ع)، ایشان پیش از غیبت، تقریباً پنج سال را با پدرش امام حسن عسکری (ع) گذرانید. ایشان (ع) طبق برخی روایات در روز ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ ق متولد شد و غیبت او همراه با اولین روز امامتش آغاز شد؛ روز نهم ربیع الاول ۲۶۰ ق. (کتاب «گوساله»، جلد ۲)

غیر از او «شما را به صاحبان و به راه حق و راه مستقیم» دعوت می کند؟ این ها خصوصیات کسی است که خلیفه خدا باشد، نه هیچ کس دیگر.

پس این امتحان با کسی انجام خواهد شد که صیحه به نامش زده می شود؛ یعنی قائم آل محمد و یمانی آن ها علیه السلام؛ کسی که او را بپذیرد پدران پاک و حجت های گذشته خداوند را پذیرفته است و کسی که او را رد کند همه حجت های الهی را رد کرده و مستحق آتش شده است؛ اگرچه به دروغ و ریا ادعای ولایت داشته باشد. همه این ها با این سخن امام باقر علیه السلام که می فرماید «سرپیچی کننده از او مستحق آتش است» بی آنکه نیازمند توضیح و تفصیلی باشد دانسته می شود. پس نیک بنگرید و باز هم بنگرید آیا امروز دعوت کننده به سوی خدا - احمد الحسن علیه السلام - با چیز دیگری به سویتان آمده است؟

یک نکته قابل ذکر است؛ اینکه امتحان اول در پشت کوفه واقع شد. امیر المؤمنین (صلوات خدا بر او) فرمود: «اولین بقعه ای که خداوند در آن عبادت شد پشت کوفه بود، هنگامی که خداوند به ملائکه دستور به سجده برای آدم علیه السلام در پشت کوفه را صادر فرمود.» (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴، ح ۱۸)

در این حدیث نکته ای برای تیزبینان وجود دارد. این کوفه ای که خداوند سبحان امتحان اول با خلیفه را در آن مشیت فرمود، حق تعالی چنین اراده فرموده است که امتحان امروز با خلیفه اش نیز دوباره در همان جا تکرار شود و کسی که موفق به سجده شود همانند فرشتگان - نجات یابد و کسی که همچون ابلیس امتناع کند و تکبر ورزد مطرود گردد، و پس از آن، دیگر مانند مهلت دادن به ابلیس، به کسی مهلتی داده نخواهد شد؛ زیرا فرق بین این دو امتحان در این نکته است که امتحان اول برای شروع سلطنت ابلیس بود و امتحان امروز برای شروع دولت عدل الهی و پایان دادن به ابلیس است که پایش نیز در کوفه به دست قائم علیه السلام در روز معلوم خواهد بود و ان شاء الله که این پایان نزدیک است؛ و سپاس و ستایش از آن خداوند، آن پروردگار جهانیان است که ما را به این راه هدایت فرمود که اگر خداوند هدایتمان نمی کرد ما هدایت نمی یافتیم.

والحمد لله وحده

برگرفته از کتاب معترضان به خلفای خدا، نوشته دکتر علاء سالم (حفظه الله)

احادیثی که در باب غربال و امتحان مردم پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام وارد شده اند در واقع بسیار هستند؛ اما پرسشی که مطرح می شود: **مردم با چه چیزی آزموده، جدا، غربال و خالص می شوند؟ و با چه چیزی دچار فتنه می شوند و باطنشان آشکار می گردد و رازداران و آنان که ادعای نزدیک بودن دارند سقوط می کنند و نقاب از چهره شان فرو می افتد؟ واضح است که ادعای توحید یا ولایت داشتن - با وجود چنین سقوطی - در این امتحان و آزمون سودی به حالشان نخواهد داشت؛ زیرا شخص شکست خورده در این آزمون پیش از آنکه طعم شمشیر حجت خداوند سبحان را بچشد مادامی که خود را با رحمت خدا مهیا نکند و به راه درست بازنگردد از نظر خداوند سقوط کرده و از رحمتش مطرود شده است.**

امیدوارم که درس روز اول در پاسخ به این پرسش کافی باشد. گریزی از این سخن نیست که این غربال شدن، آزمونی به وسیله خلیفه ای از خلفای الهی در زمین و حجتی از حجت های بر خلقش است و پشت سر گذاشتن آن با فضل خداوند سببی برای باقی ماندن در صف سجده کنندگان برای خلفای مورد رضای او، و شکست خوردن در آن سببی برای خارج شدن از عبودیت و طرد شدن از رحمت خدا و - پناه بر خدا - مستحق آتش جهنم شدن است و **انکار یکی از حجت ها و خلفای الهی در زمین، در زمان آن خلیفه و هنگام امتحان با او به معنای انکار تمام حجت های الهی پیش از او خواهد بود.**

از حمران بن اعین روایت شده است: از اباعبدالله امام صادق علیه السلام درباره امامان سؤال کردم؛ فرمود: «هرکس یکی از امامان زنده را انکار کند تمام امامان گذشته را انکار کرده است.» **(غیبت نعمانی، ص ۱۲۹)** و از آنجا که وضعیت شخص شکست خورده در این امتحان، طرد شدن از رحمت الهی و محسورشدن در گروه ابلیس (لعنه الله) است، پس وسیله امتحان نیز یکی از طاهرین علیه السلام خواهد بود و از آنجا که همه این ها پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام برای مردم واقع خواهد شد، پس غیر از خلیفه خدا (یمانی) چه کسی وجود دارد که در کلام اهل بیت علیه السلام در حقش چنین حدیث وارد شده است که «سرپیچی کننده از او از اهل آتش است اگرچه نماز بگزارد، روزه بگیرد و ادعای ولایت آل محمد را پیش از آن داشته باشد؟ و چه کسی

سید احمد الحسن علیه السلام:

امیر المؤمنین علیه السلام در توصیف روی گردانی این امت از امام و قرآن می فرماید: «به زودی پس از من زمانی بر شما بیاید که در آن زمان چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل و بیشتر از دروغ بر خدای

تعالی و فرستاده اش صلی الله علیه و آله نیست!

(کتاب «گوساله»، جلد ۲)

آغاز دوباره اسلام در آخرالزمان

(قسمت دوم)

و زنان از جایگاه والای انسانی و اجتماعی برخوردارند. در قسمت قبل مختصری از ادله اثبات حقانیت سید احمدالحسن و نیز برخی مواضع سیاسی اجتماعی ایشان به عنوان یمانی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) را مرور کردیم که برای مطالعه می‌توانید به شماره ۱۲۱ هفته‌نامه زمان ظهور مراجعه کنید و در این قسمت به ادامه آن می‌پردازیم.

۵. منع قانونی کودک همسری

ازدواج دختران کم سن و سال، بدون توجه به آثار سوء جسمی و روحی آن، از جمله پدیده‌های اجتماعی در جهان اسلام و حتی برخی جوامع غیر اسلامی است که از دیدگاه زیست‌شناسی و روان‌شناسی مورد انتقاد اهل فن واقع شده است؛ اما آیا جواز شرعی ازدواج دختر نُه‌ساله در اسلام، به معنای اجازه تحقق آن برای هر دختری در هر شرایطی است؟ آیا می‌توان بر اساس آن، قوانین مدنی را تدوین کرد؟ توضیح سید احمدالحسن در این باره خواندنی است:

«موضوع جایز بودن ازدواج دختران نُه‌ساله در اسلام عبارت است از بیان حدود حالت شرعی، و

در قسمت اول مقاله «آغاز دوباره اسلام» با خبر ارتداد دختری مسلمان و پناهندگی‌اش به کشور آلمان آشنا شدیم. «رنا احمد» فقط یک نمونه از قربانیانی است که بدون اقناع درست دینی، تحت فشار جبر اجتماعی و مذهبی قرار گرفته بود. امروزه مردم و علی‌الخصوص جوانان، بسیاری از تعالیم اسلامی که توسط فقهای ادیان از وهابیت تا مرجعیت اظهار می‌شود را برخلاف فطرت و وجدان اخلاقی‌شان می‌یابند و گاه خروج از دایره ایمان و اسلام را تنها پاسخ و راه نجات خویش قلمداد می‌کنند. **اسلامی افراطی که سخن‌گویانش فقهای غیرمعصومی هستند که هیچ ارتباطی با تنصیب و نمایندگی از جانب خداوند ندارند، اما ملبس به لباس دین ظاهر می‌شوند. آنان با اجتهادات ظنی از متون دینی، اقدام به تشریح دین نموده و شکافی عمیق بین اسلام حقیقی و مسلمانان ایجاد کردند.**

در این میان، **اسلام به نجات خویش آمده و نام احمدالحسن را به عنوان احیاکننده سنت محمدی در گوش اهل زمین فریاد می‌زند.** در اسلامی که احمدالحسن معرفی می‌کند کرامت انسانی محفوظ است، تحمیل عقیده و سرکوب مخالف جایی ندارد

سید احمدالحسن (علیه السلام):

سیاست، ارتباط تنگاتنگی با حکومت و حاکم دارد. اساس سیاست طاغوت، مکر، حيله، فریب و آزار ملت و ایجاد حصار فکری و اقتصادی و نیز گسترش فساد و ظلم میان بندگان خداست. (کتاب «سرگردانی یا مسیر به سوی خدا»)

معرض سوءاستفاده بسیاری از مردان قرار گرفته است. برقراری روابط پنهانی و حتی یک ساعته، سبب شده است که زنان و دختران بسیاری گرفتار آسیب های روحی و جسمی متعدد شوند. با توجه به همین واقعیت اجتماعی است که برخی منتقدان از متعه به عنوان فحشای اسلامی یاد کنند. سید احمدالحسن با بیان دو شرط شرعی مهم برای این ازدواج، راه را بر هرگونه سوءاستفاده و آسیبی بسته اند؛ هرچند شرط اول را برای ازدواج دائم نیز برقرار می دانند:

«آنچه در ازدواج موقت و دائم لازم است، عبارت است از:

۱. **اشهاد (شاهد گرفتن) یا اشهار (آشکار و اعلان کردن).** اشهاد با دو شاهد عادل صورت می گیرد. اشهار و اعلان نیز پس از انجام عقد و قبل از دخول است، و با آنچه در عرف، اشهار و اعلان می گویند مانند دعوت به ولیمه عروسی و مانند آن، محقق می شود.
۲. **کمترین مدت ازدواج موقت شش ماه است.** (پاسخ های روشن گرانه، جلد ۴، پرسش ۳۳۴)

سید احمدالحسن رحمته الله در کتاب احکام نورانی اسلام در شرح شرط دوم چنین توضیح داده اند: «مدّت باید به گونه ای مشخص باشد که نشود آن را کم یا زیاد کرد. اگر زمانی کمتر از شش ماه را معین کنند عقد باطل است. اگر قبل از عقد در نیت مرد این باشد که مدت را ببخشد این نیز باطل است.» (احکام نورانی اسلام، ج ۳، ص ۶۳)

بر اساس این دو شرط، دیگر برقراری رابطه جنسی زردانه، ساعتی و بوالهوسانه به اسم دین معنا نخواهد داشت. ممکن است این سؤال پیش بیاید که چرا برخی از روایات وارد شده از اهل بیت علیهم السلام متعه را حتی برای مدت زمانی بسیار کوتاه نیز جایز شمرده اند؟ سید احمدالحسن در پاسخ به سؤالی در این باره می فرمایند:

اگر شرایط حکمرانی برای خلیفه خداوند مهیا شود و قانون احوال شخصی افراد را وضع نماید، این قانونی نیست که حکومت الهی طبق آن عمل کند. بنابراین اگر امر برای خلیفه خدا فراهم شود، ممکن است قیدهایی را وضع کند تا از ازدواج دختر در پایین تر از سنی که به طور معمول اعضای تناسلی جنس مؤنث بشری کامل می شود، جلوگیری کند؛ مثل اینکه وجود ضرورت را برای این نوع ازدواج شرط کند و اینکه وضعیت جسمانی دختر از نظر معاینات پزشکی قانونی برای ازدواج مناسب باشد و... به طور کلی **حلال دانستن این نوع ازدواج در**

شریعت اسلام. همان طور که بیان شد. دلالتی بر طبیعی بودن این وضعیت ندارد؛ بلکه این تشریع صرفاً بیانگر حداقل سنی است که در آن، دختر در صورت وجود ضرورت. امکان ازدواج پیدا می کند؛ به عنوان مثال، اگر تصور کنیم فاجعه ای روی زمین رخ دهد و تنها اندکی از نوع بشر یا از مؤمنان باقی بمانند، در چنین وضعیتی، مسئله ازدواج و زادآوری زود هنگام با رعایت نکات ایمنی. به جهت ضرورت حفاظت از نوع بشر یا حفظ مؤمنان خواهد بود؛ وگرنه احتمال انقراض نوع بشر بیشتر خواهد بود.

کسی که نظریه تکامل و چگونگی عملکرد مجموعه ژن ها را در طبیعت می فهمد، آنچه را می گویم درک می کند. اگر ازدواج زود هنگام یا انتقال استعداد جنس مؤنث بشری برای لقاح در سنین پایین. در محافظت از نوع بشر در ادوار پیشین تکامل «هومو» ها اهمیتی نداشت، بدن نوع مؤنث به این صورت تکامل نمی یافت؛ یعنی به صورتی که آمادگی تلقیح در سنین پایین را داشته باشد. (پیام فیس بوک، ۲۰۱۴/۱۱/۳)

سید یمانی رحمته الله همچنین با اصلاح یک گزارش تاریخی نادرست از زندگی پیامبر هرگونه ابهام را در این باره از چهره حقیقت زدودند. **شخصی درباره ازدواج عایشه در سن نه سالگی با پیامبر صلی الله علیه و آله، سؤال پرسیده بود و ایشان چنین فرمودند: «پیامبر با عایشه در این سن ازدواج نکرد، بلکه عایشه بزرگ سال بود.» (پیام فیس بوک، ۲۰۱۷/۱۱/۱۸)**

۶) مشروط بودن عقد موقت

امروزه جواز شرعی «متعه» یا همان «ازدواج موقت» در

سید احمدالحسن رحمته الله:

شالوده سیاست پیامبر صلی الله علیه و آله یا معصوم یا هرکسی که از طرف آن ها نیابت داشته باشد، گسترش رحمت و دوستی میان مردم و بندگان خدا، هدایت مردم به سوی تعقل و تفکر، انتشار عدل و انصاف در جامعه و فراهم کردن مایحتاج مردم و ایجاد رفاه اقتصادی است. (کتاب «سرگردانی یا مسیر به سوی خدا»)

مردود می شمارند. ایشان در توضیح بی اعتباری روایت دوم می فرمایند: «این از سفاهت است که بگوئیم با کسی مشورت کن و بر خلافتش عمل نما؛ حتی این کار از کم ادبی است! این گونه نیست که تمام آنچه از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است، صحیح باشد. گاهی اوقات کسی در نقل مطلب از آن ها اشتباه کرده است و گاهی اوقات کسانی هستند با هدف اهانت به آن ها، نسبت دروغ به ایشان داده اند. هرچه را که دیدید با قرآن و خلق قرآن مخالف است، قطعاً از اهل بیت علیهم السلام صادر نشده است...» (پاسخ های روشن گرانه، جلد ۶، پرسش ۵۵۳)

ایشان نه تنها زن مؤمن را در عبادت و کسب رضای خدا مانند مرد مؤمن می دانند، (در محضر عبد صالح، ج ۲، ص ۱۰۰) بلکه می فرمایند: «نبوت محدود به مردان نیست و آنچه به مردان اختصاص دارد، فقط ارسال از جانب خداست؛ و درهای ارتقا و پیشرفت بر روی هر انسانی باز است و تفاوتی بین یک شخص با دیگری نیست؛ پس تفاوتی بین مرد و زن، عرب و غیر عرب، سفید و سیاه وجود ندارد.» (پاسخ های روشن گرانه، جلد ۵، پرسش ۴۹۳)

سید یمانی برخلاف متحجری که حیات اجتماعی زن را به چهار دیواری منزلش محدود می دانند، می فرماید: «تکلیف زن در برابر جامعه تنها نشستن در خانه اش نیست ... قطعاً زن نقش بزرگی [در جامعه] دارد و یک مرد نمی تواند به جای یک زن ایفای نقش کند؛ زیرا زن خصوصیتی دارد که مرد ندارد، و تأثیر اجتماعی زن در برخی موقعیت ها بسیار بیشتر از تأثیر مرد است.» (پیام فیس بوک، ۲۰۱۶/۷/۱۰) و نیز در جایی دیگر فرمودند: «زن در بسیاری از جایگاه ها و کارها کمتر از مرد نیست و حتی در برخی از کارها، زن بسیار بهتر از مرد است. اسلام قیدی برای متولی شدن زن قرار نمی دهد؛ حتی در مناصبی که جامعه را رهبری می کند، اگر شایستگی این کار را داشته باشد و

«احکام شرعی نسخ می شوند و آنچه روایت کردی مسئله کوچکی است؛ ممکن است [در آینده] مسائل بسیار بزرگ تر نیز بیاید. در خصوص ازدواج موقت، امامان علیهم السلام به این دلیل بر آن تأکید کرده اند که تشریعی الهی است و می خواستند باقی بماند و از بین نرود؛ بلکه حتی تأکید بر مستحب بودن آن نیز به همین علت است؛ زیرا زنده نگه داشتن شریعتی است که طاغوت و شیطان می خواست از میان برود؛ اما امروز، وضعیت متفاوت است و ازدواج موقت تثبیت شده است و مردم چه مخالف و چه موافق، آن را می شناسند؛ بلکه اگر مردم آنچه را بیان کرده ام بپذیرند، در آن راه حل بسیاری از مشکلات اجتماعی و اخلاقی موجود است که عبارت است از «مدت» که شش ماه است و «شاهد گرفتن» یا «مشهور کردن». این امر حقوق زن و فرزندان را تضمین خواهد کرد و زن هرگز کالایی کم ارزش نخواهد شد که از آن فقط بهره جنسی گرفته شود.» (پاسخ های روشن گرانه، جلد ۳، پرسش ۲۳۶)

۷) زنان؛ از حضور اجتماعی تا قابلیت رهبری

اعمال محدودیت های متحجرانه علیه زنان ریشه در اعتقادات باطلی دارد که عمدتاً به دین نسبت داده می شود. زن در یهودیت نقص ذاتی دارد و حق ندارد تورات بخواند یا در برخی آیین های عبادی شرکت کند. در مسیحیت نیز زن، شر و وسوسه گر و همان حوای مجسم است که آدم را فریب داد و هنوز وسیله ای در دست شیطان است! در جهان اسلام نیز، با وجود تأکیدات قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر یکسانی ارزش انسانی مرد و زن، شاهد جعل ها و تحریفات معنوی فراوانی علیه زنان هستیم؛ به عنوان مثال، در روایتی منسوب به امام علی علیه السلام ذکر شده که زنان «ناقص العقل» و «ناقص الایمان» هستند. (نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۰۵) یا در روایت دیگری چنین توصیه شده که با زنان مشورت کنید و برخلاف آن عمل کنید! (عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۸۹) بر اساس چنین گزاره هایی است که برخی از علمای اسلام نظریاتی تحقیرآمیز نسبت به زنان ابراز کرده اند. اما سید احمد الحسن ضمن رد هرگونه نقص ذاتی برای زن، روایات مذکور را بی هیچ گونه توجیهی،

سید احمد الحسن علیه السلام:

طاغوت، تنها به خود و بقای سلطنتش می اندیشد؛ اما هدف پیامبر صلی الله علیه و آله، مردم و بیرون آوردن آن ها از تاریکی به نور و گسترش عدل و داد میان آن ها است. (کتاب «سرگردانی یا مسیر به سوی خدا»)



اگرچه در نگاه سید یمانی دموکراسی غربی دسیسه‌ای شیطانی برای فریب مردم جهان و دور کردن آنان از حاکمیت خداست، اما نظام دیکتاتوری به مراتب از آن خطرناک‌تر است:

«... دیکتاتوری و تسلط و حکومت فردی غیرمعصوم بر سرنوشت مردم بدترین چیزی است که یک جامعه انسانی به آن می‌رسد؛ و هیچ عذر و بهانه‌ای برای پذیرش دیکتاتوری و سلطه، به هر دلیلی وجود ندارد. آزادی و حق انسان در تعیین سرنوشت خویش از دید شرع و اخلاق، یک ارزش مقدس است و هیچ بهانه‌ای نه برای سلب آن هست و نه برای کوتاه آمدن از آن. خداوند متعال فرمود: (در دین هیچ اجباری نیست) [...] اگر خداوند سبحان و متعال که آفریدگار انسان است، انسان را بر ایمان به خود یا به دین خود مجبور نکرده است، پس دیکتاتور به چه حقی باقی ماندن مردم را بدون هیچ بحث و اعتراضی، بر اطاعت و پذیرفتن رأی و نظرات خود در تعیین سرنوشتشان مجبور می‌کند؟...» **(دیدار صوتی تلگرامی به مناسبت عید غدیر، ۱۴۴۲ق)**

سید احمد الحسن علیه السلام حتی خودش را نیز به عنوان رهبری الهی و معصوم، برکنار از اجازه نقد مردم نمی‌داند و می‌فرماید: «... اگر به نظر یکی از شما احمدالحسن در روزی از روزها عدالت نورزید یا به شکل نادرستی رفتار نمود، پس در برابر من بایست و هرچه می‌خواهی بگو! هیچ خیری در احمدالحسن نیست اگر حرف مؤمنین را نشنود [...] احدی از شما گمان نکند که سینه‌ام با شنیدن شکایت یا نقد یا هر سخنی از هر انسانی به تنگ می‌آید، چه مؤمن باشد و چه مخالف.» **(صفحه فیس‌بوک، ۲۲ می ۲۰۱۴)**

امید آنکه با تمکین هرچه سریع‌تر آل محمد علیهم السلام در زمین، نوع بشر پس از هزاران سال تاریکی جهل و ستم، طعم شیرین معرفت و عدالت را بچشد و در سایه حکومت خلفای حقیقی خدا بر این کره خاکی، روی خوشبختی را ببیند.
والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

کار را به شکل تمام و درست به انجام برساند.» **(پیام فیس‌بوک، ۲/۱۱/۲۰۱۴)**

۸) آزادی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی

همان طور که گذشت، **طبق رکن سوم قانون شناخت حجج الهی، «دعوت به حاکمیت الله» یکی از نشانه‌های همیشگی همراه با حجت‌های خداست؛ یعنی آن‌ها همواره مردم را به تبعیت از خلیفه منصوب الهی فرامی‌خوانند و هر حاکمیت دیگری را غیرشرعی می‌دانند؛ اما آیا این امر به معنای تحمیل حاکمیت خدا بر مردم است؟** احمدالحسن به این پرسش چنین پاسخ می‌دهد: «**خلیفه خدا بر روی زمین را خدا تعیین می‌کند و خلیفه دلایل خویش را برای اثبات آن ارائه می‌دهد، و بر مردم واجب است که تنصیب او را بپذیرند.** در نتیجه اگر تنصیب الهی را رد کردند، هیچ بهره‌ای نمی‌برند و آخرت خود را از دست می‌دهند؛ اما خلیفه خدا، هیچ ضرر و زبانی به وی نمی‌رسد؛ مانند علی علیه السلام که ۲۵ سال خانه نشین شد، او نیز خانه نشین می‌شود.» **(گفت‌وگوی پالتاک، ۲۷ خرداد ۱۳۹۴)**

آری، **دعوت یمانی دعوتی عقیدتی و اصلاحگر است و همگان را بی هیچ دشمنی و عداوتی به شنیدن سخن حق و پذیرش آن دعوت می‌کند.** سید احمدالحسن در بیانی کریمانه، خطاب به کسانی که نسبت به اختلاف عقیدتی با دعوت مبارک احساس نگرانی دارند، می‌فرماید:

«... اما دیگران باید این مسئله را بفهمند که **اختلاف من با شما در چگونگی نوع حکومت شرعی، به این معنا نیست که من با شما دشمن هستم.** از دیدگاه ما، اختلاف در عقیده به این معنا نیست که من می‌خواهم با تو دشمنی کنم و تو را بگشتم و با زور به حکومت تسلط پیدا کنم و تو را به قبول عقیده و فکر خودم مجبور کنم. هرگز، این هدف ما نیست. ما می‌گوییم عقیده دین الهی و اسلام و محمد و آل محمد علیهم السلام این است که حاکمیت برای خداست و جایز نیست حاکم اصلی که درباره خون‌ها و جان‌ها حکم می‌کند، از سوی مردم تعیین و بر حکومت مسلط شده باشد...» **(مصاحبه با رادیو دیترویت، ۲۹ دی ۱۳۹۴)**

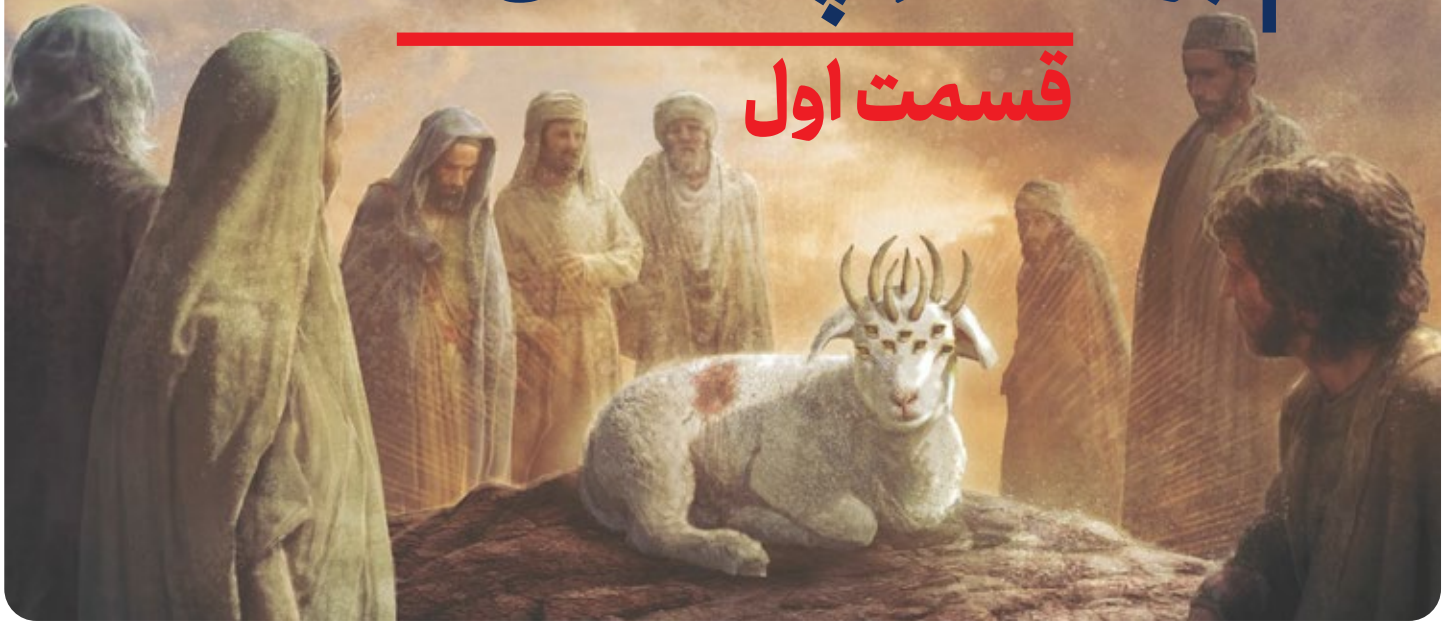
سید احمد الحسن علیه السلام:

بدیهی است که حاکمیت خالق که تجلی قدرت او بر تمام مخلوقات است، بالاترین نوع حاکمیت و محکم‌ترین ولایت است. از مشتقات این ولایت الهی و حاکمیت ربانی، ولایت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. (کتاب «سرگردانی یا مسیر به سوی خدا»)



بره قائم چه کسی است؟

قسمت اول



بره یا شیری که از سبط یهودا و ریشه داوود است، نزد ما همان مهدی اول یا احمد علیه السلام است که از طریق پدرش امام محمد بن الحسن عسکری علیه السلام نسبش به یهودا و داوود می رسد و اوصاف بره بر او صدق پیدا می کند؛ اما مسیحیان بره و شیری از سبط یهودا را درباره عیسی علیه السلام می دانند؛ ما قصد داریم تا تفاسیر مفسرین مسیحی را تقدیم و به نقد آن ها بپردازیم تا نادرستی تفاسیر آنان مشخص شود؛ بنابراین هم از تفاسیر پدران کلیسا استفاده می کنیم و هم از تفاسیر مفسرین متأخر.

تفسیر پدران کلیسا
و شاهدان یهوه

• ویکتورینوس (Victorinus of Pettau) اسقف پتوی که نزد کلیسای کاتولیک و ارتدوکس شرقی محترم است، می گوید:

«هیچ کس استحقاق این کار را پیدا نکرد؛ نه در میان فرشتگان آسمان، نه در میان انسان های روی زمین، و

در مکاشفه یوحنا، فصل ۵، آیات ۱ تا ۷ می خوانیم:

(و دیدم بر دست راست تخت نشین، کتابی را که مکتوب است از درون و بیرون، و مختوم به هفت مهر. * و فرشته ای قوی را دیدم که به آواز بلند ندا می دهد «کیست مستحق اینکه کتاب را بگشاید و مهرهایش را بردارد؟» * و هیچ کس در آسمان و در زمین و در زیر زمین نتوانست آن کتاب را باز کند یا بر آن نظر کند. * و من به شدت می گریستم؛ زیرا هیچ کس که شایسته گشودن کتاب یا خواندن آن یا نظر کردن بر آن باشد، یافت نشد. * و یکی از آن پیران به من می گوید: «گریان مباش! اینک آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داوود است، غالب آمده است تا کتاب و هفت مهرش را بگشاید.» * و دیدم در میان تخت و چهار حیوان و در وسط پیران، بره ای چون ذبح شده ایستاده است و هفت شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خدا هستند که به تمامی جهان فرستاده می شوند. * پس آمد و کتاب را از دست راست تخت نشین گرفت.)

سید احمد الحسن علیه السلام:

آیا یهودیان به ایلیا می گویند برگرد چون ما انتخابات و دموکراسی داریم و این از انتخاب الهی برتر و والاتر است؟

(کتاب «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم»)

توسط شاخه انجام می‌شود؛ در **اشعیا، فصل ۱۱ و در آیات ۱ تا ۴** می‌خوانیم:

(و نهالی از تنه یسی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت. * و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوّت و روح معرفت و ترس خداوند. * و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد [۷] و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود. * بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد [۸] و به‌جهت مظلومان زمین به‌راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت).

این متن نشان می‌دهد که این اتفاقات در زمان شاخه یا منجی واقع خواهد شد؛ اما از آنجا که عیسی علیه السلام سال‌ها پس از این پیشگویی آمد و در زمان او آیات این فصل بر ایشان علیه السلام و دعوتش منطبق نشد، پس او نمی‌تواند همان شاخه در **اشعیا ۱۱** باشد و می‌بینیم که یوحنا رسول، بعد از رفع عیسی علیه السلام شبیه آنچه را درباره منجی در اشعیا آمده بود در رؤیا و درباره آینده دید. بله! یوحنا رسول شبیه آنچه را در **اشعیا ۱۱** اتفاق خواهد افتاد و نتوانست بر عیسی علیه السلام منطبق باشد، پس از رفع عیسی علیه السلام دید.

نتیجه

از آنجا که شاخه‌ای که از نسل یسی است، همان بزه‌ای است که از نسل یسی است و از آنجا که شاخه نمی‌تواند عیسی علیه السلام باشد، در نتیجه عیسی علیه السلام مصداق بزه نیست؛ پس ویکتورینوس و پاپ گریگوری یکم و سایر مفسرین مسیحی در تفسیر این شخصیت بر عیسی علیه السلام اشتباه کرده‌اند. ان شاء الله در آینده دلیل دیگری را ارائه خواهیم داد که چرا بزه نمی‌تواند عیسی علیه السلام باشد.

نه در میان ارواح مقدسین در آرامش، جز مسیح پسر خدا به‌تنهایی، که او می‌گوید او را مانند بره‌ای ایستاده همچون ذبح‌شده، دید و هفت شاخ داشت. [۱]

• پاپ گریگوری یکم (Pope Gregory I) که نزد کلیسای کاتولیک و ارتدوکس شرقی و حتی گروه‌هایی از پروتستان‌ها یعنی جماعت انگلیکن و کلیسای لوتری محترم است و علاوه بر این از دکتان کلیسای کاتولیک محسوب می‌شود، می‌گوید:

«شیر، بزرگواری دارد و درنده‌خویی؛ همچنین بزرگواری‌اش نمایانگر خداوند است و درنده‌خویی‌اش نمایانگر شیطان. از این‌رو درباره خداوند اعلام شده است: (هان، شیری از سبط یهودا، ریشه داوود غالب آمده است).» [۲]

• در سایت رسمی شاهدان یهوه می‌خوانیم:

«اما در کتاب مقدس به‌دلیل شهادت و شجاعت عیسی، به او عنوانی کاملاً متفاوت داده شده است. آری، کتاب مقدس پسر خدا را «شیر قبیله یهودا» می‌خواند. (مکاشفه ۵:۵).» [۳]

اما سؤال اینجاست، آیا این تفاسیر صحیح است؟

اولین نقد بر تفسیر مسیحیان

اینجا لازم است بگوییم که درباره بزه یا شیر در **مکاشفه، فصل ۱۹، آیه ۱۱** آمده است:

(و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش [۴] امین و صادق [۵] خوانده می‌شود و به عدل داوری [۶] و جنگ می‌نماید).

اما آیا این شخصیت عیسی علیه السلام است؟! یا بهتر است سؤال را این‌گونه مطرح کنیم که آیا این آیه با عیسی علیه السلام اتفاق می‌افتد و آیا اوست که به عدل داوری می‌کند؟! به اختصار و به‌طور قطع، خیر؛ زیرا بزه همان شاخه در **اشعیا ۱۱:۱** است؛ برای توضیح بیشتر:

عملی که بزه طبق مکاشفه ۱۱:۱۹ انجام می‌دهد

سید احمد الحسن علیه السلام:

آیا مسیحیان به عیسی علیه السلام می‌گویند ای کسی که بر الاغ سوار می‌شوی و ای کسی که لباس‌های پشمین می‌پوشی، کم می‌خوری و در دنیا زاهد و بی‌رغبتی! برگرد زیرا ما رؤسای برگزیده‌ای داریم که از تمام دنیا چه حلال و چه حرامش بهره می‌برند و آن‌ها با خواست‌ها و تمایلات نفسانی ما موافق و سازگار هستند؟! (کتاب «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم»)





پانوش:

۱. به این آدرس رجوع کنید:



۵. عبارت یونانی «*Ἀληθινός*» در ترجمه قدیم به «حق» ترجمه شده است؛ این عبارت در نسخه‌های عربی به «الضادق» یا «ضادقا» ترجمه شده است که معادل عبارت «راست‌گو» در فارسی است؛ AVD: «أَمِينًا وَضَادِقًا» | KEH: «الْأَمِينُ الضَّادِقُ» | الترجمة العربية المشتركة مع الكتب اليونانية: «الأمين والضادق» | الترجمة الكاثوليكية (اليسوعية): «الأمين الضادق».

۶. در متن یونانی *κρίνει* آمده است.

۷. در دست‌نوشته یونانی واتیکانی (مربوط به قرن ۴ میلادی) همان عبارت که در مکاشفه ۱۱:۱۹ درباره برّه آمده است، درباره شاخه آمده است: (KPINEI) | عبری: וַשַׁפּ

۸. در دست‌نوشته واتیکانی همان عبارت که در مکاشفه ۱۱:۱۹ درباره برّه آمده است، درباره شاخه آمده است: (KPINEI) (κρίνει) | عبری: וַשַׁפּ

۲. اخلاقیات درباره کتاب ایوب، بخش اول، ۲۱:۵.

۳. پیروی کن (پک) ۲۰۱۱، «بیا و از من پیروی کن»، فصل ۴ «اینک آن شیر قبیله یهودا».

۴. برّه یا شیر همان سوار بر اسب سفید است؛ مکاشفه ۱۷:۱۲ تا ۱۴ را با همان ۱۹:۱۶ تا ۲۱ مقایسه کنید.

سید احمد الحسن علیه السلام:

در هر صورت همین تورات و انجیل امروزی هر دو به حاکمیت خدا در زمینش اقرار دارند به حاکمیت مردم و این دو، کتاب‌های آسمانی و دلیل انکارناپذیر برای یهودیان و مسیحیان هستند. (کتاب «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم»)



ادعای نبودن نام مهدی در قرآن

حق تعالی می فرماید:

﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ...﴾ (آنچه را که خدا از اموال کافران دیار به رسول خود غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و خویشاوندان رسول و یتیمان و فقیران و درراه ماندگان (ایشان) است. این حکم برای آن است که غنایم، دولت توانگران را نیفزاید و شما آنچه رسول حق دستور دهد، بگیرید و هرچه نهی کند، واگذارید و از خدا بترسید که عذاب خدا بسیار سخت است). (حشر، ۷)

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (ولی چنین نیست؛ به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند مگر آنکه تو را درباره آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند، سپس از حکمی که کرده ای در دل هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند). (نساء، ۶۵)

همچنین به دلیل این سخن پیامبر ﷺ که می فرماید: «به من فرمان داده شده است با مردم بجنگم تا به لا اله الا الله شهادت دهند و به من و آنچه آوردم، ایمان بیاورند. وقتی چنین کردند خون و اموالشان از طرف من محفوظ می ماند؛ مگر آنچه به حق بایستی

پذیرفتن یا نپذیرفتن و نیز اثبات یا عدم اثبات اصل اعتقاد به مهدی آل محمد ﷺ، یکی از مسائل مهم و چالش برانگیز بین دو طرف موافق و مخالف بوده و هست، و منکرین عقیده مهدویت در دین اسلام، تاکنون با طرح شبهات و اشکالات گوناگون سعی بر نفی عقیده به این مهمی را داشتند و دارند و متأسفانه پیش از این پاسخ های چندان قاطعانه و محکمه پسندی در مقابله با این شبهات ارائه نشده تا زمانی که خواست خداوند بر این شد تا قائم آل محمد و یمانی موعود در این نزاع عقایدی پا به میدان بگذارد و تمام شبهات بی پایه و تهی آن ها را نقش بر زمین کند، و همان طور که مستحضرید و با توجه به مقالات شماره های قبل، بایستی متوجه شده باشید که آن ها هیچ دلیل موجه و قطعی برای نفی این عقیده ندارند و تمام تلاش آن ها مبنی بر آوردن و طرح یک شبهه است که مقاومت چندانی در مقابله با ادله مطرح شده ندارد.

یکی دیگر از شبهات مطرح شده توسط منتقدین مسئله مهدویت این است که آن ها بر این اعتقاد هستند که نام مهدی در قرآن ذکر نشده است و با این باور می خواهند ایمان به مهدی موعود و مسئله انتظار را از ضروریات اعتقادات اسلامی نفی کنند.

برای پاسخ به این اشکال یا شبهه، باید بگوییم که ضروریات اعتقادات اسلامی فقط از قرآن گرفته نمی شود، بلکه از قرآن و سنت گرفته می شود، و پذیرفتن سنت رسول خدا ﷺ واجب است؛ زیرا

سید احمد الحسن رحمه الله:

اهل سنت هنگامی که از اوصیای پیامبر ﷺ روی گردان شدند و احادیث آن ها را ترک گفتند، در شبهه ای گرفتار شدند مبنی بر اینکه آن حضرت در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد؛ با اینکه اعتراف می کنند او از فرزندان علی و فاطمه علیهما السلام است.

(کتاب «گوساله»، جلد ۲)

که فرمود: «هنگام مرگ یک خلیفه، اختلاف ایجاد می شود. پس مردی از اهل مدینه گریزان به سمت مکه خارج می شود. مردمی از اهل مکه به سوی او می آیند، او را خارج می کنند و بین رکن و مقام با او بیعت می کنند؛ در حالی که او مایل به این کار نیست. لشکری از شام به سویش هجوم می آورند که زمین، آن ها را بین مکه و مدینه در «بیداء» در خود فرومی برد. هنگامی که مردم این واقعه را می بینند ابدال (توبه کنندگان) از شام و گردان هایی از عراق نزد او آمده، بین رکن و مقام بیعت می کنند.

سپس مردی از قریش ظاهر می شود که دایی هایش از قبیله کلب هستند، به سوی او هجوم می آورند و بر شورش آنان پیروز می شوند. ناکامی برای کسی خواهد بود که غنیمت شورش قبیله کلب را دریابد! او اموال را تقسیم و بین مردم به سنت پیامبرشان عمل می کند. اسلام بر جای جای زمین استوار می شود و هفت سال بین مردم می ماند. سپس می میرد و مسلمانان بر وی نماز می گزارند.» [۵]

و حق تعالی می فرماید:

﴿وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُون هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ﴾ (و به راستی او نشانه ای برای آن ساعت است؛ پس در آن شک نکنید و از من پیروی کنید که این است راه مستقیم).

ابن حجر می گوید: «مقاتل بن سلیمان و مفسران پیرو او می گویند که این آیه در شأن مهدی نازل شده است و احادیثی که صراحت دارد بر اینکه او از اهل بیت پیامبر است گفته خواهد شد؛ بنابراین، در این آیه دلالتی است بر برکت در نسل فاطمه و اینکه خداوند از فرزندان آن دو، پاکان بسیاری قرار خواهد داد و نسل آن دو را کلیدهای حکمت و منابع رحمت قرار خواهد داد؛ و سرش این است که خداوند فاطمه و فرزندان را از شیطان رانده شده حفظ می فرماید.»

[۶]

حق تعالی می فرماید: ﴿قَالُوا أُودِنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ (گفتند: پیش از آنکه تو نزد ما بیایی و حتی بعد از آنکه به سوی ما آمدی در رنج و شکنجه بودیم. گفت: امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین سازد؛ آنگاه بنگرد که چگونه عمل می کنید). (اعراف، ۱۲۹)

از آن ها بستانم، و حسابشان با خداوند است.» [۱]
همچنین این سخن ایشان: «آگاه باشید که به من کتاب و همانندش داده شده است. آگاه باشید که به من قرآن و همانندش داده شده است.» [۲] و این سخن ایشان: «نزدیک است که آن شخص در حالی که بر کرسی اش تکیه زده، سخنی از احادیث من نقل می کند و می گوید: «بین ما و شما کتاب خداوند عزوجل حکم می کند؛ هرچه را در آن حلال بود حلال، و هرچه را حرام کرده بود حرام می کنیم.

بدانید هرچه رسول خدا حرام کرده، مثل آنچه

است که خدا حرام کرده است.» [۳]

همچنان که **رسول خدا از مسائل بسیاری خبر داده اند که تفصیلشان در قرآن نیامده. مانند احکام نماز، زکات، حج. و نیز بعضی احکامی که ذکر از آن ها در قرآن نیامده است. به همین دلیل است که پیامبر اکرم ﷺ عدم گمراهی و نجات امت را تمسک به ثقلین دانسته اند، و تمسک به قرآن به تنهایی نجات دهنده از گمراهی نخواهد بود.**

این علاوه بر آن است که اشارات قرآنی فراوانی به مهدی وجود دارد که در زیر به آن ها اشاره خواهیم کرد.

مهدی در قرآن

حق تعالی می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (او کسی است که فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین ها پیروز گرداند؛ هرچند مشرکان را خوش نیاید). (توبه، ۳۳)

در تفسیر این آیه وارد شده است: «از ابوهریره روایت شده است که گفت: این وعده ای از سوی خداوند است که اسلام را بر تمام ادیان برتری خواهد داد و این کار در آستانه خروج عیسی کامل خواهد شد.» و سدی می گوید: «این هنگام قیام مهدی است. پس کسی باقی نخواهد ماند، مگر مسلمان شده باشد یا خراج (جزیه) بدهد.» [۴]

و حدیث وارد شده از ام سلمه همسر پیامبر این حدیث را تأیید می کند. از پیامبر نقل شده است

سید احمد الحسن علیه السلام:

سپس کسانی از علمای اهل سنت در زمان غیبت کبری آمدند و اعتراف کردند به اینکه امام مهدی علیه السلام همان امام دوازدهم از ائمه اهل بیت علیه السلام است و اینکه او زنده و از نظرها پنهان است؛ همانند خضر علیه السلام.

(کتاب «گوساله»، جلد ۲)

پی نوشت:

۱. تصور اهل سنت از مهدی منتظر، بین عقیده و متون، دکتر عبدالرزاق دیراوی ص ۲۸ تا ۳۰ و ۹۲ تا ۹۸.

منابع

۱. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۹.
۲. مسند احمد بن حنبل، دارالصادر، بیروت، ج ۴، ص ۱۳۱.
۳. کنز العمال، متقی هندی، گردآوری و تفسیر و تصحیح و فهرست گذاری و مقدمه شیخ بکری حیاتی و شیخ صفوة السفاء، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹/ق/۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۱۷۵. ۴۲
۴. تفسیر فخر رازی، فخرالدین رازی، دار الفکر، بیروت لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۱/ق/۱۹۸۹م، ج ۱۶، ص ۴۲؛ و مراجعه شود به تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، محمد بن احمد قرطبی، د. عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، مؤسسة الرسالة، بیروت/ لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۷/۲۰۰۶، ج ۱۰، ص ۱۷۹؛ والکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، ابواسحاق ثعلبی، ت. ابومحمد بن عاشور، دار احیاء التراث العربی، بیروت لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۲/۲۰۰۲، ج ۵، ص ۳۵ و ۳۶.
۵. سنن ابوداود، ج ۲، ص ۳۱۰ و ۳۱۱، و در پی نوشت آمده است: «اسلام استوار می شود؛ یعنی به عزت و سلطه سابقش باز می گردد... و منظور این است که در آن هنگام فتنه و درگیری نخواهد بود.»
۶. الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، احمد بن حجر الهیتمی المکی، تعلیق و پی نوشت و مقدمه از عبدالوهاب عبداللطیف، مكتبة القاهرة، مصر، چاپ دوم، ۱۳۸۵/ق/۱۹۶۵م، ص ۱۶۲.
۷. تفسیر قرآن عظیم، ابن ابی حاتم، ت. اسعد محمد الطیب، مكتبة نزار الباز، مکه مکرمه، چاپ اول، ۱۴۱۷/۱۹۹۷، ج ۱، ص ۱۵۴۱. مؤلف در مقدمه، صفحه ۱۴ گفته است: «پس بر اساس صحیح ترین سندها و شبیه ترین متن ها متون را آوردم.» و محقق در صفحه ۶ می گوید: «و با این حال، امام عبدالرحمان بن ابی حاتم رازی در تفسیر خود، گفته های پیشینیان را با مستندات و با دقت و امانت داری در انجام کار و با محکم ترین و صحیح ترین مستندات آورده است.»

ابن ابی حاتم با سندش از ابن عباس روایت کرده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «یقیناً ابتدا و انتها با ما اهل بیت است. پس گریزی نیست از اینکه دولتی از بنی هاشم تشکیل شود. پس بنگرید با آن که از بنی هاشم است چه رفتاری می کنید و این آیه برای چه نازل شده است: ﴿عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عُدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ (امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین سازد، آنگاه بنگرد که شما چگونه عمل می کنید).» [۷]

می گویم: امکان ندارد منظور از دولت بنی هاشم حکومتی غیر از دولت امام مهدی باشد؛ زیرا آخرین دولت است؛ همان طور که خداوند عزوجل وعده فرموده است که زمین به بندگان صالحان به ارث خواهد رسید. حق تعالی می فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (و به راستی در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم که این زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد). (انبیاء، ۱۰۵) و این یعنی حکومت صالحان پایانی نیک برای تاریخ زمین خواهد بود.

در نتیجه تمام این اشارات قرآنی بی هیچ تردیدی، بر این دلالت می کنند که مهدی، شخصیتی الهی است و اگر برخی سعی می کنند روایاتی را که توضیح دادیم با این بهانه که این ها صرفاً بیانگر نظر گوینده های این روایات است تضعیف کنند، این نکته بدیهی و روشن است که این افراد از جمله صحابه ای مثل ابن عباس- ترجیحاً بر اساس شنیده هایشان اظهار نظر می کرده اند؛ یعنی نظر برتر این است که آن ها این تفسیرها را از پیامبر شنیده باشند یا از کسی که از پیامبر شنیده است....

ما در این سلسله مقالات سعی بر این داریم اصل عقیده مهدویت را آن طور که در حقیقت، یک اصل دینی است و یک عقیده مهم در دین اسلام است اثبات کنیم. در مقالات بعدی به وضوح هرچه بیشتر شاهد روشن شدن این حقیقت تابناک خواهیم بود.

(برای خواندن و اطلاع بیشتر از این موضوع می توانید به کتاب «تصور اهل سنت از مهدی منتظر، بین عقیده و متون» نوشته دکتر عبدالرزاق دیراوی رجوع کنید).

سید احمد الحسن رحمه الله

از جمله این افراد، «شافعی» است که در کتابش «مطالب السؤل» برای دفاع از اعتقادش فصلی را در انتهای کتابش قرار داده که به ایشان اشاره می کند؛ اینکه امام مهدی علیه السلام همان محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است.

(کتاب «گوساله»، جلد ۲)

امام مهدی (علیه السلام) و تکنولوژی

آیا امام مهدی (علیه السلام) با پیشرفت علم مخالف خواهد بود؟

امام مهدی (علیه السلام) چگونه با یاران و پیروان خود در آینده ارتباط برقرار می‌کند؟

مبارزه و جنگ امام مهدی (علیه السلام) با چه سلاح‌هایی خواهد بود؟

استفاده از علوم و فنون روز در زمان همه حجت‌های الهی مرسوم بوده و همواره آن‌ها از تمام ابزار برای ترویج دعوت حق استفاده می‌کردند. اصل اساسی در دفاع از حق و جنگ علیه باطل، ایمان به خداوند و استعانت از اوست؛ اما موفقیت در عالم دنیا در کنار توکل به خداوند مستلزم استفاده از تمام ابزار (جنگی و تبلیغی) است؛ از این رو می‌بینیم خداوند متعال بارها در قرآن کریم به استفاده از بهترین سلاح‌ها و ابزار دعوت کرده است.

خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...﴾

(و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو و اسبان ورزیده آماده کنید تا به وسیله آن‌ها دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید...).

(انفال، ۶۰)

همچنین خداوند برای پیروزی حضرت داوود (علیه السلام) در برابر دشمنانش به او علم ساخت زره را آموخت.

﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾

(و ساختن زره را به خاطر شما به او آموختیم، تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند؛ آیا شما شکرگزار [این نعمت‌های خدا] هستید؟!).

(انبیاء، ۸۰)

مثال‌های فراوانی برای استفاده از ابزار و مهارت‌های جنگی و تبلیغی وجود دارد که پرداختن به آن‌ها در این مقدار نمی‌گنجد؛ اما از همین مقدار می‌توان نتیجه گرفت که **استفاده از ابزار و علوم روز، رویه‌ای معمول بین حجت‌های الهی بوده و این قاعده نمی‌تواند برای امام مهدی (علیه السلام) استثنا باشد!**

سید احمد الحسن (علیه السلام):

امام (علیه السلام) لطف الهی بر مؤمنین است و در آشکار شدنش در بین آن‌ها بهره‌ای بس سترگ در التزام دینی برایشان در بردارد. اگر به عنوان مثال به خاطر ترس از کشته شدن از آشکار شدن خودداری کند، وجود سفیری برای او (علیه السلام) بسیار بهتر و بافضیلت‌تر از غیبت تامه است.

(کتاب «گوساله»، جلد ۲)

«برید» به معنای پست و پیک است که برای ایمیل یا فضای مجازی هم به کار می رود. طبیعی است که امامان علیهم السلام به علت عدم درک مردم آن زمان مجبور به اشارات این چنینی بودند.



تبلیغ دعوت حق با اینترنت:

پس از اینکه فرستاده امام مهدی علیه السلام، سید احمد الحسن علیه السلام، یمانی علیه السلام در سال ۲۰۱۲ صفحه رسمی فیس بوک خود را افتتاح کرد بسیاری از مخالفان کوتاه فکر شروع به تمسخر و کنایه کردند! ترس آن ها از جهانی شدن علم و دعوت سید احمد الحسن علیه السلام باعث شد آن ها به یمانی موعود لقب «امام اینترنتی» دهند؛ اما همین اتفاق کینه مخالفان سید احمد الحسن علیه السلام را آشکار کرد و مردم هرچه بیشتر به جهل این معاندان پی بردند و در حالی که علما و بزرگان شان دارای صفحه رسمی در این شبکه های اجتماعی بودند، به یمانی موعود خرده می گرفتند که چرا صفحه مجازی افتتاح کرده؟! بسیاری متوجه کینه آن ها شده و با تحقیق منصفانه، به این دعوت مبارک گرویدند (الحمد لله).

حال صفحه های رسمی سید احمد الحسن علیه السلام در شبکه های مجازی دریچه ای برای نشر علوم الهی به سراسر جهان شده و علوم شگفت انگیزی از این صفحات نشر می شود که نشان شخصیت الهی و بی نظیر سید احمد الحسن علیه السلام است و همین امر باعث شده پیروان یمانی موعود شبکه های اجتماعی را وسیله ای برای پیکار با شیاطین و ظلم قرار دهند و با تبلیغ این دعوت، راه نجات را به جهانیان معرفی

پس اینکه امام مهدی علیه السلام برای ارتباط و نشر علوم خود از شبکه های اجتماعی و موبایل و لپ تاپ استفاده کند و برای مبارزه از تسلیحات روز دنیا بهره برد جای تعجبی ندارد!



این مطلب را برای دسته ای از افراد بیان کردیم که تصور می کنند با ظهور امام مهدی علیه السلام علم عقب گرد کرده و سلاح های گرم جنگی از کار می افتد و جنگ ها با شمشیر خواهد بود! جالب اینکه این دسته از افراد برای اثبات ادعای خود روایتی ذکر می کنند که در هیچ منبع معتبری ذکر نشده و گویا ساختگی و جعلی است! هرچند حتی با وجود چنین روایتی نمی توان به طور قطع به آن استدلال کرد؛ زیرا روایت می تواند متشابه باشد و علم متشابهات نیز فقط در اختیار حجت معصوم خداست.

استفاده امام مهدی علیه السلام از اینترنت:

استفاده امام مهدی علیه السلام از لوازم ارتباطی و شبکه های اجتماعی و نیز تسلیحات روز، نه تنها الزامی است بلکه در روایاتی مهر تأیید بر آن خورده است.

ابی عبدالله علیه السلام فرمود: «همانا قائم ما اگر قیام کند خداوند چیزی را به سمع و بصر شیعیان ما می رساند، تا اینکه بین مردم و قائم «برید» باشد؛ پس او را می بینند و می شنوند و او در مکانش است.» (۱)

سید احمد الحسن علیه السلام:

سفیر همان پیشوای بدل از امام علیه السلام است؛ او کسی است که فرامین ایشان علیه السلام را منتقل می کند. پس وجود او - یعنی سفیر - نیز لطفی الهی است؛ چراکه وجود او شبیه وجود معصوم است.

(کتاب «گوساله»، جلد ۲)



و مجال و توانایی تبلیغ داری، پس تبلیغ و عمل کن؛ چون ممکن است روزی اینترنت قطع شود یا امکان اتصال به اینترنت را نداشته باشی، یا مثلاً سلامتی نداشته باشی یا عمر تمام شود؛ مسئله فقط قطع اینترنت اینجا یا آنجا نیست، بلکه ممکن است در یک لحظه عمر تمام شود؛ نمی دانیم! (وقتی اجلشان آمد لحظه ای تقدیم یا تأخیر ندارند). (اعراف، ۳۴)

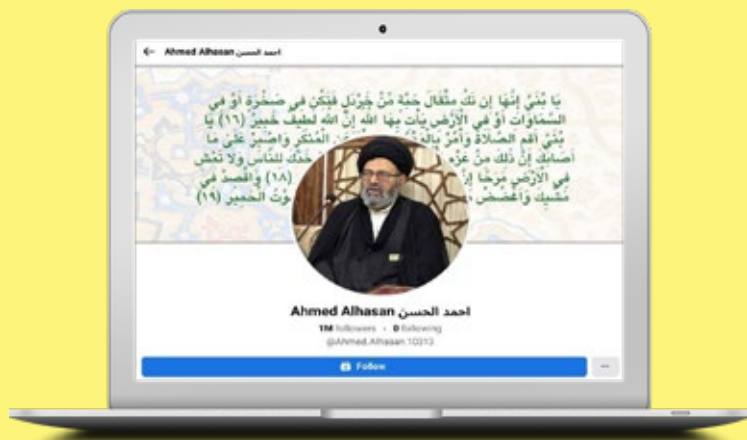
سرمایه‌ات در زندگی وقت توست که بر نمی‌گردد. خیلی مهم است. در زندگی هر چیزی جبران پذیر است مگر وقت. محال است که وقت جبران شود؛ چون ما هر لحظه در شمارش معکوس به سوی مرگ هستیم. اگر همان طور که تاجر با جدیت حساب سرمایه‌اش را دارد و از آن در برابر خسارت و اتلاف محافظت می‌کند، بیندیشیم، خواهی دید که چقدر درباره سرمایه زندگی، یعنی وقتمان کوتاهی می‌کنیم. (۳)

پس بر تمام مردم واجب است این فرصت را غنیمت شمرده و با تحقیق و پس از ایمان با تبلیغ در تمام شبکه‌های مجازی، دست یاری به امام خود داده و خود را محدود به تبلیغ حضوری و میدانی نکنند؛ زیرا زمانی این درخت بیشترین ثمر را می‌دهد که شاخ و برگ‌های بیشتری داشته باشد و امید آنکه با شهید اخلاص بتوانیم زمین را از خشک‌سالی و ظلمت چند هزار ساله خارج کرده و حاکمیت خداوند و عدالت الهی را مستقر کنیم.

منابع:

۱. الکافی، ط الإسلامیة، ج ۸، ص ۲۴۱.
۲. غیبت نعمانی، ص ۳۱۹ و ۳۲۰.
۳. بیانات سید واثق الحسینی (حفظه الله)، عید غدیر سال ۱۴۴۲ق، گروه تلگرامی «فراخوان مهدوی»

کنند و علم بی‌ظلمت این فرستاده را به دست جویندگان حق برسانند.



فرصتی بی سابقه برای ارتقا:

با وجود شرایط سخت زندگی و حفظ دین در آخرالزمان - اعم از مشکلات اقتصادی و اجتماعی- باید توجه داشت که **در این بحبوحه جولان فساد می‌توان از ابزار ارتباطی در مسیر تبلیغ حاکمیت خدا استفاده کرد.** ابزاری که گذشتگان از آن محروم بودند و مبلغان دینی مشقت‌های فراوانی را در مسیر تبلیغ تحمل می‌کردند؛ اما این توفیق و طناب نجات خداوند شاید در آینده‌ای نزدیک به علت تنش‌های سیاسی به راحتی در دسترس نباشد!

سید واثق حسینی (حفظه الله) در این رابطه می‌فرمایند:

«امام ما می‌فرمایند: «فرصت‌ها همانند ابرها می‌گذرد پس آن‌ها را غنیمت شمارید. تمام عمرمان فرصتی است که باید هر لحظه‌اش را غنیمت شماریم.» روزی سید احمدالحسن فرمود: «سعی کن هر لحظه‌ات را در راه اطاعت خدا به کارگیری.» امروزه این برای ما فرصتی است؛ حال که اینترنت و عمل در دسترس است و به لطف خداوند سالمی

سید احمد الحسن (علیه السلام):

با وجود سفیر، امکان اتصال به امام و شناخت احکام شرعی صحیح و خصوصاً مسائلی که به مرور زمان پدید می‌آیند وجود خواهد داشت.

(کتاب «گوساله»، جلد ۲)

هوشمندی، نتیجه حتمی تکامل



این غایت قطعی دلالت دارد که هدف تکامل یا می‌توانیم بگوییم **مهم‌ترین دستاورد تکامل که ما آن را درک می‌کنیم و اهمیت و برتری‌اش بر دیگر دستاوردهای تکامل را می‌فهمیم، عبارت است از هوشمندی؛ که این خود به معنای تولید مغز است؛ بنابراین هوشمندی نتیجه حتمی پیدایش حیات یا حداقل نتیجه اجتناب‌ناپذیر پیدایش زندگی در چهارچوبی که ما بر این زمین می‌شناسیم، محسوب می‌شود.** حیات که ما می‌شناسیم عبارت است از نقشه ژنتیکی و انتخابی که آن را غربال می‌کند؛ پس نقشه ژنتیکی و انتخاب یا به عبارت دیگر تکامل، هدف‌دار بوده و هدف او نیز هوشمندی یا تولید زندگی هوشمندانه است؛ و با توجه به شناختی که ما از حدود مرز هوشمندی داریم، تبلور این هدف، به وجود آمدن مغز بزرگ و پیچیده است.

سید احمد الحسن در تبیین هدف یا غایت تکامل چنین می‌نویسند:

«اگر ما یک قطعه چوب و ابزار نجاری در دست داشته باشیم و بخواهیم صندلی درست کنیم، غایت ما ساخت صندلی است؛ ولی هدف یا غرض از ساختن صندلی، نشستن بر روی آن است. درباره

اگر خود را یک موجود فضایی در نظر بگیریم که برای اولین بار به سیاره زمین آمده است چه چیزی نظر ما را به خود جلب خواهد کرد؟ درختان؟ رودهای آب شیرین، باکتری‌ها، ... یا تمدن باشکوهی که انسان‌های هوشمند ساخته‌اند؟

پاسخ واضح است که انسان‌ها نظر ما را به خود جلب خواهند کرد؛ زیرا امپراطوری زمین به دست این موجودات راست قامت ابزار ساز است. این انسان‌ها یک دفعه از آسمان نازل نشدند؛ بلکه بزرگترین دستاورد تکامل حیات زمینی (حداقل تاکنون) هستند.

اما چه ویژگی‌ای در انسان وجود دارد که او را تا این حد خاص کرده است؟ تاجایی که می‌توانیم قاطعانه بگوییم بزرگترین دستاورد تکامل بوده است. پاسخ واضح است؛ ابزار هوشمندی [۱] برتر یا مغز بزرگ انسان.

امروزه ما می‌بینیم و می‌دانیم که مغز بزرگ چه کارهایی کرده است. کسی شک ندارد که اندازه و نوع مغز انسان، در تمایز انسان از دیگر حیوانات اهمیت بسیاری دارد.

فرگشت کیفی و کمی مغز، به‌ویژه در دوره اخیر که به‌صورت شگرف و به‌طور پیوسته حادث شده، بر

سید احمد الحسن علیه السلام:

حقیقت آن است که فرد منصف به‌ناچار باید بگوید فعلاً، ما نوع بشر را انانیت (منیت) زن‌ها تباه کرده است و این در حالی است که برترین اخلاق و ایثار حقیقی که انبیای خدا و رسولانش منتشر ساختند و ادیان الهی آن را آوردند، این انانیت را نابود ساخته است.

(کتاب «توهم بی‌خدایی»)



تکامل چشم نیز چنین است. غایت مواد و قوانین، ساختن چشم است، اما هدف از چشم، دیدن است. در حقیقت دکتر داوکینز و کسانی که می گویند تکامل بی هدف است، درباره هدف یا غرض تکامل سخنی نمی گویند؛ بلکه آن ها از علت غایی یا غایتی که تکامل به بار می آورد، سخن می رانند و همان را هدف یا غرض تکامل لقب می دهند. توجه به این نکته ضروری است که آنچه ما برخی مواقع غایت می نامیم، در متونی که از کتاب های دکتر داوکینز نقل شده، هدف نام گرفته است. اگر غایت را هدف بنامیم، مشکلی پیش نمی آید؛ زیرا تکامل نیز به دنبال دست یافتن به آن هدف است. درباره زندگی زمینی همان طور که بعداً اثبات خواهیم کرد،

غایت مواد و قوانین، ساخت موجودی زنده، آگاه و قادر بر آبادانی زمین است؛ اما هدف حقیقی یا غرض، ارتباط دائمی وی با غیب و عبادت کردن است. در موضوع تکامل، اثبات غایت، کافی است و ما اگر غایت را اثبات کردیم، به دنبال آن، هدف نیز اثبات خواهد شد؛ زیرا اثبات غایت به معنای اثبات وجود خداست و در نتیجه آنچه در اثبات هدف می آید، نیز اثبات می شود.

ما می توانیم با بررسی مسائلی بفهمیم که یک عمل معین به غایت مطلوبش یا غایت یا هدفی که از آن انتظار می رود دست می یابد؛ از جمله: نقشه ای که آن را بنیان می نهد و شیوه عملش را مشخص می سازد؛ زیرا اگر دریافتیم که نقشه ای قانونمند است، طبق ضابطه عمل می کند و بی برنامه نیست، ثابت می شود که در پی دستیابی به غایتی مشخص است. همچنین ما با مشاهده نتایج و دستاوردهای میانی و نهایی مورد انتظار می توانیم دریابیم که فرآیند، در صدد رسیدن به غایتی است و می خواهد به آن دست یابد. ضمناً کشف این موضوع نیز امکان پذیر خواهد شد که آیا غایت مزبور آن عمل، از همان ابتدا مد نظرش بوده و قصد رسیدن به آن را داشته است یا اینکه غایتش فقط دستاوردی باطل، ناگهانی و ناخواسته است که در نتیجه بر بیهوده و بی ضابطه بودن عمل حکایت دارد...» (احمد الحسن، توهم بی خدایی،

ترجمه فارسی، ص ۲۲۶ و ۲۲۷)

پی نوشت:

۱. احمد الحسن: «هوشمندی به طور کلی نشان دهنده توانایی در سازماندهی کنش ها و واکنش ها بر اساس داده های فضا و محیط است که معمولاً برای جلب منفعت و دفع ضرر صورت می گیرد. وجود ابزار هوشمندی (مانند مغز یا سیستم عصبی) در یک جاندار باعث می شود که وی بتواند سایر توانایی های بیولوژیکی و اعضایش را مانند یک اسلحه بیولوژیکی جهت کسب منفعت بیشتر و چند برابر نمودن آن توانایی ها سازماندهی کند.»

رفتار مهم ترین نتیجه و در واقع میوه هوشمند بودن است و نیز واکنشی است که در برابر یک عمل یا کنش بیرونی از موجود زنده سر می زند. این رفتار در انسان پیچیده تر از سایر موجودات است. یکی از مصادیق پایه هوشمندی، عدم تکرار اشتباه های گذشته است و از یک عامل هوشمند، انتظار می رود که نتایج به دست آمده پیشین را تعمیم دهد و پیش بینی لازم را از شرایط ناشناخته داشته باشد.

سید احمد الحسن (علیه السلام):

این منیت ژنی می گوید: پسر من برتر از پسر برادر من است... و فردی از قومیت من، برتر از فردی از قومیت دیگر است. اما انبیا و ادیان، احسان و ایثار در حق غریبه و برگزیدن این غریبه ها بر نفس و فرزندان را آورده اند، و این اخلاق ایثاری را در بین مردم منتشر ساخته اند.

(کتاب «توهم بی خدایی»)

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد

می شود، اکنون در میان ماست.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی

و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که

منتظر شماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با

سندی از علم و شگفتی ها آمده است.